جلوه هايي از انس امام خميني با قرآن

نويسنده:علي اكبر مؤمني

**انسان همواره براي رسيدن به موفقيت و دست يافتن به اهداف خويش، نيازمند الگو و اسوه است.** الگوهاي انساني، بهترين نمونه براي رسيدن به قله هاي موفقيت مي باشند. خداي متعال نيز با فرستادن پيام آوراني از جنس بشر نمونه هاي عيني از اسوه هاي انسانيت و قهرمانان تكامل را به بشر معرفي نموده است. بدون شك انتخاب راهنمايان و اسوه ها در هر امري از امور زندگي ضروري بوده و موجب مي شود انسان با انگيزه و اميد به آينده اي درخشان راه رسيدن به هدف را طي نمايد.  
انبياي الهي و ائمه اطهار(ع) نمونه هاي واقعي انسان كامل و اسوه هاي به تمام معنا در زندگي بشر به شمار مي روند و سيره و روش آنان بهترين سرمشق براي افراد خداجو و حق پرست است. ائمه اطهار(ع) به عنوان ثقل اصغر با ثقل اكبر پيوندي تفكيك ناپذير داشته و اهتمام وصف ناپذيري نسبت به كتاب خدا از خود نشان داده اند؛ به گونه اي كه مي توان هر يك از رفتار و گفتار آنها را تجلي آيه اي از آيات خدا دانست. آنان نه تنها خود عاملان و حاملان حقيقي قرآن كريم بوده اند، بلكه فرامين لازم را به منظور انس و پيوند مسلمانان با كتاب خدا صادر فرموده اند.  
گذشته از اهل بيت(ع) در ميان علما، بزرگان و رهروان حقيقي ائمه اطهار(ع) نمونه هاي فراواني از عاملان به قرآن كريم يافت مي شود كه با بهره مندي از آيات خدا، قله هاي كمال را فتح نموده و جان خويش را از سرچشمه زلال سيراب نموده اند. بدون ترديد هيچ عصري از وجود چنين افرادي خالي نبوده و آنان را مي توان بهترين الگوهاي فكري و عملي براي پيوند با قرآن دانست. ما نيز در روزگار خود از وجود چنين انسان هايي بي بهره نبوده ايم. بنيان گذار جمهوري اسلامي ايران از جمله كساني است كه با ارتباط عمل گرايانه خويش با قرآن همچون ستاره اي در آسمان فضيلت و انسانيت مي درخشد. در نوشتار زير گوشه اي از توجهات ويژه امام راحل به قرآن بطور گذرا مورد بررسي قرار گرفته كه با هم آن را از نظر مي گذرانيم:

انقلاب در پرتو قرآن

او كه نامش قرين انقلاب است و در سراسر جهان با انقلاب اسلامي ايران شناخته مي شود، نهضت خود را برپايه قرآن بنا نهاد و اهداف، آرزوها و ايده هايش را از قرآن الهام گرفت و همواره تلاش كرد حكومت و جامعه را براساس اصول و مباني قرآن اداره كند. امام هدف از نهضت و انقلاب را چنين توصيف مي كند: «مي دانيد كه نهضت و انقلاب، براي پياده كردن احكام اسلام است. ما مقصد ديگري غير از اين نداشتيم. آخر شما كه نمي خواستيد قدرت كسب كنيد، بلكه مي خواستيد قرآن را احيا كنيد.»(1)  
به اعتقاد امام راحل هرگاه قرآن مهجور شود، اسلام نيز مظلوم خواهد شد و دليل مهجور بودن قرآن بي اعتنايي به احكام سياسي اسلام است. ايشان بر حضور قرآن در تمام شئون زندگي انسان تأكيد مي ورزد و بر اين باور است كه عمل به احكام سياسي اسلام -كه در قرآن منعكس شده است- موجب سيادت مسلمانان خواهد شد و اگر دولت ها و ملت هاي مسلمان به جاي تكيه بر قدرت هاي استعمارگر بر اسلام تكيه مي كردند و تعاليم نوراني و رهايي بخش قرآني را به كار مي بستند، امروز اسير تجاوزگران صهيونيستي و آمريكايي نبودند.(2)  
بنيان گذار جمهوري اسلامي علاوه بر اهتمام ويژه نسبت به اجراي دستورات قرآني در حوزه هاي سياسي -اجتماعي بر انس و پيوندهاي قوي با قرآن نيز توجه شايسته اي داشت و همچنين به تأسي از ائمه اطهار(ع)، با قرآن پيوند و انسي ديرينه داشت و در هر فرصتي به تلاوت قرآن مي پرداخت. عشق امام(س) به قرآن به گونه اي بود كه جلوه هاي زيبايي تجلي آيات الهي در زندگي ايشان را به روشني مي توان مشاهده كرد.

استفاده از فرصت ها

امام براي كارهاي روزانه خود جدولي تهيه كرده بودند كه در آن، كارهايي كه مي بايست در همه ساعات شبانه روز انجام شود، درج شده بود.(3) با توجه به برنامه ريزي ايشان در زندگي مي توان گفت كه در تمام شبانه روز حتي يك دقيقه وقت تلف شده و بدون برنامه نداشتند.(4) هنگامي كه در پاريس بود، وقتي خبرنگارها براي مصاحبه به محضرش مي آمدند، معمولا حدود ده دقيقه، يا يك ربع براي آماده كردن دوربين هايشان معطل مي شدند، امام در همين فرصت به تلاوت قرآن مشغول مي شد. بعضي از حاضران مي گفتند: خود را براي مصاحبه آماده كنيد (يعني فعلا قرآن نخوانيد!) در پاسخ مي فرمود: «آيا در اين چند دقيقه، عمرم و وقتم ضايع شود؟»(5)  
يكي از نزديكان امام(س) مي گويد: «امام در روز چند نوبت قرآن مي خواند؛ بعد از نماز صبح، قبل از نماز ظهر و عصر، قبل از نماز مغرب و عشاء و يا در هر فرصت ديگر، به اين عمل مستحب پاي بند بود. ما بارها در طول روز كه خدمت ايشان مي رسيديم، امام را مشغول خواندن قرآن مي ديديم.»(6)

من چشمم را براي خواندن قرآن مي خواهم

در زماني كه امام در نجف بود، از ناحيه چشم دچار ناراحتي شده بود. هنگامي كه پزشك چشم، ايشان را معاينه كرد، توصيه نمود كه چند روزي قرآن نخوانند و استراحت نمايند. امام لبخند زدند و فرمودند: «دكتر! من چشمم را براي خواندن قرآن مي خواهم! چه فايده اي دارد اگر چشم داشته باشم و قرآن نخوانم؟ شما كاري بكنيد كه من بتوانم قرآن بخوانم.»(7)

سفارش به تلاوت قرآن

امام راحل افزون بر آنكه خود همواره با قرآن مأنوس بود، تلاوت آن را پيوسته با درك و فهم به ديگران نيز توصيه مي كرد و حتي انس ظاهري با قرآن را نيز، اثرگذار و مفيد مي دانست؛ چنان كه در نامه اي خطاب فرزندش، حاج سيداحمد نوشته است: «فرزندم! با قرآن، اين كتاب معرفت آشنا شو، اگرچه با قرائت آن، و راهي از آن به سوي محبوب بازكن و تصور نكن كه قرائت بدون معرفت اثري ندارد كه اين وسوسه شيطان است. آخر، اين كتاب از طرف محبوب است براي تو و براي همه كس، و نامه محبوب، محبوب است اگر چه عاشق و محب، مفاد آن را نداند و با اين انگيزه، حب محبوب، كه كمال مطلوب است، به سراغت آيد و شايد دست گيرد.»(8)

احترام به قرآن

قرآن كتاب بزرگي است كه عظمت آن از عظمت خداوند نشأت گرفته است؛ زيرا قرآن تجلي آشكار پروردگار است. امام علي(ع) مي فرمايد: «فتجلي سبحانه لهم في كتابه من غير ان يكونوا رأوه؛(9) خداي سبحان در كتابش خود را آشكار كرد، بي آنكه او را ببينند.»  
قرآن كريم به مقتضاي آسماني و الهي بودن، شايسته احترام و تكريم است. امام(س) ضمن بزرگ شمردن قرآن همواره آن را در ظاهر و باطن حفظ مي كرد؛ «گاهي به دلايلي قرآن هايي را در كيف دستي به محضر امام مي برديم. در دفعات اوليه اتفاق افتاد كه بدون توجه، قرآن را نيز همراه با چيزهاي ديگر از كيف بيرون آورده، روي زمين مي گذاشتيم. امام كه مراقب بودند، فرمودند: «قرآن را روي زمين نگذاريد! » و بلافاصله دستشان را جلو آوردند، آن راگرفتند و روي ميز گذاشتند.»(10)

مصداق كامل آيه قرآن

مقام معظم رهبري مي فرمايد: «فرداي آن شبي كه امام عزيز به جوار رحمت الهي پيوسته بودند، سحرگاه در حالت التهاب و حيرت، تفألي به قرآن زدم؛ آيه 88 سوره كهف آمد: «و اما من آمن و عمل صالحا فله جزاء الحسني و سنقول له من امرنا يسراً» ديدم واقعاً مصداق كامل اين آيه، همين بزرگوار است. ايمان و عمل صالح و پاداش نيكو، بهترين پاداش براي او است.»(11)  
آنچه بيان شد تنها بخش اندكي از سيره قرآني امام راحل(ره) بود و بررسي تفصيلي اين موضوع مجال و فرصت بيشتري مي طلبد كه به همين مقدار بسنده شد. ]مركز فرهنگ و معارف قرآن[

پانوشت ها:

1) صحيفه نور، ج16، ص.27  
2) ر.ك: صحيفه نور، ج 16، ص 39و ج 1، .186  
3) حجه الاسلام انصاري كرماني، روزنامه رسالت،   
972.3.  
4) فرشته اعرابي، سيره 1، ص .19  
5) مجله حوزه، شماره 96، ص .208  
6) مصطفي وجداني، سرگذشت هاي ويژه از زندگي امام خميني، ج2، ص.52  
7) مجله حضور، شماره 3، فاطمه طباطبايي.  
8) مجله حوزه، شماره 96، ص .225  
9) نهج البلاغه، صبحي صالح، خطبه .147  
10) سرگذشت هاي ويژه از زندگي امام خميني، ج 5 ص .69  
11) حديث ولايت، ج1، ص 6؛ قرآن كتاب زندگي درآينه نگاه رهبر انقلاب، ص .191